



بانک کارآفرین
KARAFARIN BANK

مدیریت ریسک و مطالعات اقتصادی

اداره تحلیل بازارهای مالی و بخش های اقتصادی



فروردین ۱۴۰۰

بررسی ابعاد و راهکارهای ناترازی و بحران بانکی

گزارش اول: مفهوم و چیستی ناترازی

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱
۱- معنای اعسار بانک.....	۱
۲- اعسار ترازنامه‌ای.....	۳
۳- ارتباط ناترازی های سه گانه.....	۱۳
۴- بحران بانکی سیستمیک.....	۱۶
منابع.....	۱۸

مقدمه

بحران بانکی یکی از مهم‌ترین معضلات و شاید هم مهم‌ترین معضل اقتصاد کلان کشور است. از نظر بسیاری از اقتصاددانان آن چیزی که موتور توسعه یک کشور را فراهم می‌کند داشتن نظام مالی مناسب است و بنابراین، زمانی که سیستم مالی کشوری در بحران باشد، احتمال رشد و توسعه اقتصادی در آن کشور ضعیف است. بر همین اساس قصد بر آن است تا در سلسله گزارشاتی به تبیین ابعاد و راهکارهای ناترازی و بحران بانکی پرداخته شود. از این رو در این گزارش و به عنوان اولین گزارش از این سلسله گزارشات به بیان مفهوم و چستی ناترازی بانکی پرداخته و ابعاد آن روشن شده است.

۱- معنای اعسار بانک

اعسار بانک به دو شکل رخ می‌دهد:

مراجعه سپرده‌گذاران بابت دریافت سپرده یا هر عاملی که بانک را از پرداخت تعهدات خود در برابر سپرده‌گذاران یا در برابر سایر بانک‌ها ناتوان سازد (اعسار جریان نقدی)^۱

شکاف بین ارزش بدهی‌ها و دارایی‌ها بگونه‌ای که مابه‌التفاوت بدهی بانک از دارایی وی بیش از ارزش سرمایه بانک شود، (سرمایه بانک منفی شود) (اعسار ترازنامه‌ای)^۲

اعسار در معنای اول به ماهیت متفاوت بانک در مقایسه با سایر کسب‌وکارها بازمی‌گردد؛ ماهیتی که به بانک

۱. Cash flow Insolvency – Liquidity Insolvency
۲. Balance Sheet Insolvency - Normal Insolvency

اجازه می‌دهد در عین دارا بودن بدهی‌های نقد و معجل، دارایی‌های غیر نقد و مؤجل اکتساب کند. ممکن است بانکی که ارزش دارایی‌هایش بیش از بدهی‌هاست و وضعیت کفایت سرمایه مناسبی دارد، در اثر مراجعه سپرده‌گذاران دچار اعسار جریان نقدی شود. این پدیده که در اوان شکل‌گیری بانکداری تا اوایل قرن بیستم مهمترین نوع اعسار بانکی محسوب می‌شد، در اثر چاره‌اندیشی دولت‌ها در جهت تنظیم قوانینی برای تضمین سپرده‌های بانکی (مانند بیمه سپرده) و دادن دسترسی به بانک‌ها برای استقراض از بانک مرکزی (در واقع با اعطای رانت‌هایی از سوی حاکمیت به بانک‌ها) تا حدود زیادی علاج شد.^۳

بانکی که ارزش دارایی او به کمتر از بدهی‌هایش تنزل کرده و سرمایه او نیز توانایی جذب این حجم از زیان را ندارد، دچار اعسار در معنای دوم است. این نوع اعسار می‌تواند در اثر کاهش ارزش دارایی‌ها (به دلیل نکول وام‌ها یا کاهش دفعی ارزش سرمایه‌گذاری‌های بانک مثلاً در اثر ترکیدن حباب قیمت دارایی‌ها)، یا به دلیل پیشی گرفتن سرعت رشد بدهی‌ها نسبت به رشد دارایی‌ها (به دلیل خلق پول بی‌ضابطه بانک) رخ دهد. البته باید توجه داشت که اعسار ترازنامه‌ای لزوماً همراه با اعسار نقدینگی نیست، یعنی ممکن است یک بانک بدون اینکه با هجوم سپرده‌گذاران روبه‌رو شود و در شرایطی که علی‌الظاهر به فعالیت خود ادامه می‌دهد، معسر و ورشکسته (در معنای دوم) باشد.

در خصوص معنای دوم اعسار (شکاف دارایی و بدهی بانک)، یک پیچیدگی اساسی وجود دارد و آن این است

^۳. البته بیمه سپرده‌ها و حمایت‌های بانک مرکزی از بانک‌ها به واسطه عدم تقارن اطلاعات موجب بروز مشکل کژگزینی (adverse selection) در میان سپرده‌گذاران و کژمنشی (moral hazard) در میان مدیران بانک‌ها می‌شود که تبعات منفی آن غیر قابل اغماض است.

که بانک‌ها، در شرایط ضعف نظارت‌های درونی (که محصول ساختار حاکمیت شرکتی نامناسب است) و نظارت‌های بیرونی (یعنی حسابرسی مستقل و نظارت بانک مرکزی) به جهت عدم شفافیت جزئیات فعالیت و امکان تغییر سریع ترکیب دارایی‌ها، قادر به پنهان کردن این مشکل از طریق ساختن دارایی‌های موهومی^۴ هستند. شناخته شده‌ترین این روش‌ها، استمهال مطالبات معوق یا غیر قابل وصول است؛ به این معنی که در صورت عدم بازپرداخت وام توسط یک مشتری، بانک می‌تواند بدهی وی را امهال کرده و آن را به عنوان وام جدید (با مبلغ بیشتر) در سمت دارایی ترازنامه خود ثبت کند، در حالی که مشتری مذکور، امکان بازپرداخت مبلغ اولیه کمتر را نیز نداشته است. روش مرسوم دیگر نیز، بیش ارزش گذاری دارایی‌های ثابت و سرمایه گذاری‌های بانک است؛ به این معنی که بانک‌ها به واسطه معاملات صوری با یکدیگر یا با شرکت‌های زیرمجموعه خود، ارزش دفتری مستغلات خود را چندین برابر ارزش بازاری آنها ثبت می‌نمایند. به دلیل همین عدم شفافیت‌ها و صورت‌سازی‌های بانک‌ها، در بسیاری موارد، افسار بانک‌ها به صورت یک شوک پیش‌بینی نشده رخ می‌دهد و بسیاری از سرمایه‌گذاران و سپرده‌گذاران تا پیش از وقوع آن، از وضعیت نامطلوب بانک اطلاع روشنی ندارند.

۲- افسار ترازنامه‌ای

بانک‌ها در ارتباط با عملیات بانکی با سه چرخه دست و پنجه نرم می‌کنند که تعادل عملیات بانکی به تعادل این سه چرخه وابسته است:

^۴. Fictitious Assets

۱- جریان وجوه نقد (ورود و خروج ذخیره)^۵

۲- جریان سودآوری (درآمد و هزینه)

۳- وضعیت ترازنامه (ارزش دارایی و بدهی)

جریان وجوه نقد^۶ بانک با ورود و خروج ذخایر یا پایه پولی صورت می گیرد؛ خروج یا ورود ذخیره به بانک از

کانال‌های زیر میسر می شود:

جدول ۱: جریان وجوه نقد

ورود ذخایر	خروج ذخایر
جذب سپرده	خروج سپرده
بازپرداخت تسهیلات از سوی مشتریان	بازپرداخت بدهی به سایر بانک‌ها
فروش دارایی	بازپرداخت بدهی بانک به بانک مرکزی
آورده نقدی سهامداران	پرداخت بدهی بانک به دولت
ورود منابع نقد	(خروج منابع نقد)
	خالص موجودی ذخایر

جذب سپرده توسط بانک موجب می شود سپرده مشتری از بانک دیگر به این بانک منتقل شود و تسویه^۷ این انتقال

با انتقال ذخایر اتفاق می افتد. یعنی در عمل با جذب سپرده، ذخایر بانک نزد بانک مرکزی افزایش می یابد و

برعکس زمانی که خروج سپرده اتفاق بیفتد، ذخایر وی نزد بانک مرکزی کاهش خواهد یافت.

^۵ Reserve

^۶ Cash flow

^۷ Settlement

فروش دارایی یا بازپرداخت تسهیلات اگر از حساب سپرده‌ای نزد بانکی دیگر رخ دهد موجب افزایش ذخایر بانک می‌شود اما اگر از محل حساب سپرده همین بانک رخ دهد موجب کاهش سپرده‌ها و به تبع آن، کاهش نیاز بانک به ذخایر قانونی می‌گردد.

یکی دیگر از مواردی که موجب افزایش موجودی نقد بانک می‌گردد، افزایش سرمایه بانک به شیوه صرف سهام یا آورده نقدی سهامداران است که بازهم یا از حساب سپرده نزد بانک دیگری تامین می‌شود که معادل افزایش سرمایه به موجودی ذخایر بانک نزد بانک مرکزی اضافه می‌شود و یا از حساب سپرده‌ی نزد همین بانک اتفاق می‌افتد که موجب کاهش سپرده و نیاز بانک به ذخیره قانونی می‌گردد. ذکر این نکته در اینجا ضروری است که افزایش سرمایه از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها موجب ورود وجوه نقد به بانک نمی‌شود و در صورت لزوم پرداخت مالیات موجب خروج ذخایر از بانک هم می‌شود.

در صورتی که خالص موجودی ذخایر بانک در پایان روز منفی باشد، بانک با ناترازی یا شکاف جریان وجوه نقد مواجه خواهد شد و باید برای جبران آن یا از بانک‌ها و یا از بانک مرکزی استقراض نماید. در صورتیکه خالص موجودی ذخایر بانک مثبت باشد، بانک می‌تواند آن را به سایر بانک‌ها قرض دهد و سود دریافت نماید و یا نزد بانک مرکزی سپرده‌گذاری نماید. وقتی از ناترازی در جریان وجوه نقد صحبت می‌شود صد البته که مقصود از این واژه، کسری نقدینگی در یک روز یا چند روز نیست. کسری ذخایر بانک وقتی مزمن شود عدم تعادل یا ناترازی جریان وجوه نقد ایجاد شده و نیازمند درمان و حل مشکل است. اساساً وجود کسری موقت ذخایر در بعضی از بانک‌ها موجب شکل‌گیری بازار بین بانکی می‌گردد و تا زمانی کسری نقدینگی بانک به یک مساله‌ی

همیشه تبدیل نشده باشد (بانک همواره و هر روز با خالص موجودی ذخایر منفی) مواجه نشده باشد، نمی توان از عدم تعادل یا ناترازی جریان وجوه نقد صحبت کرد. تداوم کسری نقدینگی بانک یا تبدیل شدن آن به کسری ساختاری ذخایر به دلایل زیر امکان پذیر است:

۱- کیفیت پایین دارایی ها و عدم افزایش سرمایه نقدی: نکول تسهیلات و ارزش پایین دارایی ها که در جدول یک نشان داده شد مهمترین منبع ورود جریان وجوه نقد هستند.

۲- رشد بالای تسهیلات دهی بانک (بیشتر از سهم بازار^۱) که منجر به سبقت خروج سپرده از ورود سپرده خواهد شد.

این تبیین تا اینجای کار مربوط به یک بانک (تحلیل خرد) بوده و با مراجعه همیشگی بانک به بازار بین بانکی (تا جاییکه بتواند اعتماد بازار را برای خوش حسابی خود جلب نماید) برطرف می شود، اما زمانی که شبکه بانکی دچار کسری مداوم نقدینگی می شود، اندکی مسئله متفاوت است و عموماً ناشی از عقب ماندن رشد پایه پولی از رشد نقدینگی است. به عبارت دیگر وقتی همه ی بانک ها دچار خالص جریان وجوه نقد باشند دیگر بازار بین بانکی نمی تواند رافع مشکل نقدینگی باشد. این پدیده زمانی اتفاق می افتد که بانک ها خلق نقدینگی کرده باشند و برای تامین سپرده قانونی نیازمند ذخایر بانک مرکزی باشند اما پایه پولی موجود در سیستم چنین تقاضایی را برطرف نکند. در چنین شرایطی سیستم بانکی دچار کسری نقدینگی می شود و بانک مرکزی در صورتیکه نخواهد و یا نتواند از همراهی خودداری کند ناچار پایه پولی رشد می کند.

^۱ Market share

جریان سود آوری بانک به توازن درآمدها و هزینه‌های بانک‌ها مربوط می‌شود، بانک نیز همچون سایر شرکت‌ها با هدف بیشینه سازی ارزش در چارچوب مقررات و قوانین، فعالیت می‌کند و سودآوری آن برای تداوم فعالیت های بانک ضروری است.

شاید این ابهام به وجود بیاید از آنجایی که جریان وجوه نقد در بردارنده‌ی سود و زیان بانک نیز هست یعنی هر درآمدی به معنای ورود جریان نقد و هر هزینه‌ای به مفهوم خروج جریان نقد است پس می‌توان صرفاً به بررسی جریان وجوه نقد بانک اکتفا کرد زیرا عدم تعادل در جریان وجوه نقد حاکی از عدم تعادل در سودآوری بانک است و بر عکس. گذشته از مواردی نظیر ورود سپرده یا بازپرداخت اصل (نه سود) تسهیلات که در صورت جریان وجوه نقد منعکس می‌شود ولی در صورت سود و زیان قابل ردیابی نیست (اگر این موارد مورد توجه قرار ندهیم) این ابهام و ایراد بر پایه دو فرض و تصور غلط استوار است:

۱- هزینه و درآمد بانک با ذخایر بانک مرکزی اتفاق می‌افتد.

بانک با بدهی خود یعنی همان سپرده‌ها هزینه می‌کند نه با پول بانک مرکزی. به عبارت روشن‌تر زمانیکه می‌توانستیم تمام هزینه‌های بانک را خروج ذخیره یا نقد از بانک بدانیم که بانک با ذخیره (پول بانک مرکزی) هزینه می‌کرد این درحالیست که بانک با پول خود (سپرده) هزینه می‌کند. به عنوان مثال وقتی بانک به پرسنل خود حقوق پرداخت می‌کند، حساب سپرده کارمندان نزد بانک را افزایش می‌دهد. این افزایش حساب سپرده‌ها در ابتدای امر، صرفاً به میزان سپرده قانونی نیاز بانک به ذخایر را افزایش می‌دهد. یعنی به عنوان مثال اگر بانک ۱۰۰ واحد حقوق پرداخته باشد و نسبت سپرده قانونی ۱۰٪ باشد، هزینه بانک ۱۰۰ واحد افزایش می‌یابد در حالیکه نیاز

به وجوه نقد (بازپرداخت بدهی به بانک مرکزی) صرفاً ۱۰ واحد افزایش می‌یابد. البته اگر به محض پرداخت حقوق کارمند آن را به بانک دیگری منتقل کند تحلیل متفاوت خواهد بود.

۲- شناسایی درآمد بانک نقدی است و نه تعهدی.

از آنجایی که در نظام بانکی، شناسایی درآمد به صورت تعهدی است افزایش درآمد به معنای افزایش وجوه نقد نیست. به عبارت روشن‌تر شناسایی تعهدی درآمد برخی از اقلام سود و زیان باعث می‌شود که هر درآمدی به معنای ورود جریان نقد به بانک نباشد. به عنوان مثال اگر تسهیلاتی در طبقه جاری ثبت شده باشد (کمتر از دو ماه از زمان سررسید یا آخرین قسط پرداخت شده) گذشته باشد و اقساط این دوره پرداخت نشود، اقساط به عنوان درآمد بانک شناسایی می‌شود اما جریان وجوه نقدی به همراه ندارد. رویه برعکس هم کاملاً امکان‌پذیر است یعنی بانک از مشتری دارای تسهیلات مشکوک الوصول نقداً دریافت می‌کند اما بر اساس مقررات حق شناسایی درآمد را ندارد. شاید تصور شود که این تفاوت تفاوت ناچیز و قابل چشم‌پوشی باشد در راستای پاسخ به این نکته به تفاوت در جدول ۲ توجه کنید:

جدول ۲: تفاوت سود تعهدی و نقد دریافتی بابت تسهیلات پرداختی بانک‌های منتخب در سال ۱۳۹۸ (هزار میلیارد تومان)

بانک	درآمد تسهیلات اعطایی	وجوه نقد دریافتی بابت درآمد تسهیلات اعطایی
ملت	۲۰	۱۲
سامان	۲/۹	۳/۴
تجارت	۱۶	۹
صادرات	۱۹	۱۲
سرمایه	۰/۳	۰/۴۸
پارسیان	۸/۴	۴/۴
پاسارگاد	۱۲/۶	۱۴

ماخذ: صورتهای مالی حسابرسی شده بانک‌های مورد بررسی

جدول ۲ گواه بر اختلاف بسیار زیاد این دو سرفصل متناظر در صورت سود و زیان و جریان وجوه نقد بانک است که مستقلاً نکات فراوانی برای تحلیل دارد.

نتیجه اینکه به دلیل شناسایی درآمد تعهدی در بانک‌ها و هم‌چنین به دلیل اینکه بانک‌ها با پول خود و نه پول بانک مرکزی، هزینه می‌کنند نمی‌توان رابطه‌ی جریان وجوه نقد و جریان سودآوری بانک را عموم و خصوص مطلق تلقی کرد و این دو چرخه رابطه عموم و خصوص من وجه دارند.

پس از روشن شدن اهمیت جریان سودآوری، می‌توان درآمدها و هزینه‌های بانک را در قالب جدول ۳ طبقه‌بندی کرد:

جدول ۳: جریان سودآوری

هزینه‌ها	درآمد
هزینه سود سپرده	درآمد سود تسهیلات
هزینه اداری و کارکنان	درآمد سرمایه‌گذاری
هزینه مالی	درآمد کارمزدی
هزینه مطالبات مشکوک الوصول	درآمد حاصل از فروش دارایی
هزینه کارمزدی	خالص سود مبادلات و معاملات ارزی
	سایر درآمدهای عملیاتی
(هزینه‌ها)	درآمدها
سود	

تعادل درآمد و هزینه و پایداری سودآوری بانک یکی دیگر از چرخه‌هایی است که در مدیریت بانک باید مورد توجه باشد. ذکر این نکته و تاکید بر این مفهوم مجدداً لازم است که حساب سرمایه بانک مکانیزمی برای هموار سازی سود بانک است، یعنی اگر بانک در یک دوره و موقتاً به هر دلیل از جمله مخاطرات اقتصاد کلان یا شوک تقاضا به مشتریان بانک، دچار زیان‌دهی شود این پدیده امر غیرطبیعی نیست و حساب سرمایه می‌تواند این هموارسازی را انجام دهد. یعنی سرمایه بانک صرف هزینه‌های این دوره می‌شود و بانک می‌تواند در دوره بعد و با شناسایی سود خالص آن را جبران کند. ناترازی و عدم تعادل در جریان سودآوری بانک زمانی اتفاق می‌افتد که بانک بصورت مستمر و مزمن با شکاف درآمد- هزینه مواجه باشد و برای چندین دوره متوالی هزینه‌هایی بیش از درآمد هر دوره داشته باشد.

وضعیت ترازنامه‌ای بانک نیز به معنای تعادل در ارزش دارایی و بدهی‌های بانک و کفایت سرمایه بانک می‌باشد که عدم سرایت زیان به سپرده‌گذاران را تضمین می‌کند. در صورتی که ارزش دارایی‌ها کمتر از ارزش بدهی‌های بانک باشد یا به عبارت روش‌تر حقوق صاحبان سهام بانک منفی باشد بانک دچار شکاف ترازنامه‌ای گردیده است. در این شرایط دارایی‌های بانک برای ایفاء تعهدات و بدهی‌های آن به مشتریان کافی نیست در چنین شرایطی بانک با ورشکستگی مواجه شده است و حتی در چارچوب قانون تجارت نیز باید وارد فرآیند ورشکستگی شود. ارزش‌گذاری دارایی‌های بانک در ترازنامه مهمترین و تعیین‌کننده عامل در ارزیابی میزان ناترازی بانک‌هاست. ارزش‌گذاری تسهیلات به کیفیت بازپرداخت آن وابسته است و ریسک اعتباری مهمترین عامل تعیین‌کننده در ارزش تسهیلات است. ریسک اعتباری با ذخیره‌گیری^۹ و کاهش ارزش مالی تسهیلات بروز می‌یابد؛ به طور مثال، اگر ۱۰۰ واحد تسهیلات در طبقه جاری (بازپرداخت منظم) قرار داشته باشد، ارزش آن در ترازنامه ۱۰۰ واحد ثبت می‌شود اما اگر در طبقه مشکوک الوصول ثبت شود بانک موظف است حداقل ۵۰ درصد آن را ذخیره بگیرد لذا ارزش آن در ترازنامه ۵۰ واحد ثبت می‌شود. ارزش‌گذاری اموال و دارایی‌های ثابت بانک به دلیل ناهمگنی شدید توسط کارشناس رسمی تعیین می‌شود و به واسطه عدم شفافیت و وابسته به شخص بودن این ارزیابی‌ها در بسیاری از موارد با اختلاف‌های فاحش و زیاد با ارزش واقعی اموال همراه بوده است. بانک‌ها همواره انگیزه دارند تا ارزش دارایی‌ها را بالاتر نشان دهند و یکی از اهداف نظارت در لایه‌های مختلف از جمله

^۹ provisioning

(حسابرسی صورت‌های مالی و نظارت بانک مرکزی و نظارت عمومی) بهبود واقع‌نمایی در ارزش‌گذاری دارایی‌های بانک‌ها می‌باشد.

جدول ۴: وضعیت ترازنامه

دارایی	بدهی
تسهیلات	سپرده
اوراق بهادار	بدهی به بانک مرکزی
ذخایر نقد	بدهی به سایر بانک‌ها
دارایی ثابت	
مطالبات از سایر بانک‌ها و بانک مرکزی	
دارایی‌ها	(بدهی‌ها)
	حقوق صاحبان سهام

غیرواقع‌نمایی ارزش دارایی‌ها توسط بانک‌ها که با انگیزه پنهان کردن زیان‌ها و عدم شناسایی زیان در سایه ضعف در نظام حسابرسی و نظارتی حاکم بر شبکه بانکی اتفاق می‌افتد منجر به شکل دارایی‌های موهومی و به تبع سود موهومی در صورت‌های مالی بانک‌ها می‌شود. این تفاوت ارزش‌گذاری‌ها موجب می‌شود تا برای محاسبه عمق واقعی ناترازی‌ها، برآورد دارایی موهومی نیز لازم باشد. در این گزارش ابتدا بر اساس داده‌های رسمی عمق ناترازی‌ها نشان داده می‌شود و سپس ضمن برآوردی از دارایی موهومی عمق ناترازی با احتساب این دارایی‌ها نیز گزارش می‌گردد.

۳- ارتباط ناترازی های سه گانه

در این بخش به این سوال پاسخ داده می شود که با چه سازوکاری ناترازی در یک چرخه به عدم تعادل به سایر چرخه های محوری در عملیات بانکی سرایت می کند؟ فهم ارتباط این سرایت در جلوگیری و خروج از بحران بانکی ضروری است.

۱- سرایت ناترازی در آمد-هزینه به ناترازی دارایی بدهی

در صورتیکه بانک با شکاف در آمد-هزینه و زیان خالص مواجه شود و این زیان دهی به یک پدیده ی مزمن تبدیل شود، پس از اندکی زیان انباشته بانک موجب از بین رفتن سرمایه شده و شکاف ترانزنامه ای ایجاد می شود. کاهش سود می تواند به دلیل افزایش شتاب بدهی ها (سود سپرده ها) یا کاهش رشد دارایی ها (سود تسهیلات) همراه بوده باشد که به ترتیب موجب افزایش بدهی یا کاهش دارایی نیز خواهد شد. به عنوان مثال فرض کنید بانک سود بیشتری به سپرده ها پرداخت نماید. در این شرایط بدهی های بانک افزایش و سرمایه بانک به میزان افزایش سود سپرده ها کاهش خواهد یافت و به همین میزان موجب افزایش ناترازی خواهد گردید.

جدول ۵: تاثیر کاهش سود بر شکاف دارایی - بدهی

بدهی	دارایی
↑ اصل و سود سپرده ها	اصل و فرع تسهیلات
حقوق صاحبان سهام	
سرمایه پرداخت شده	
↓ سود انباشته	

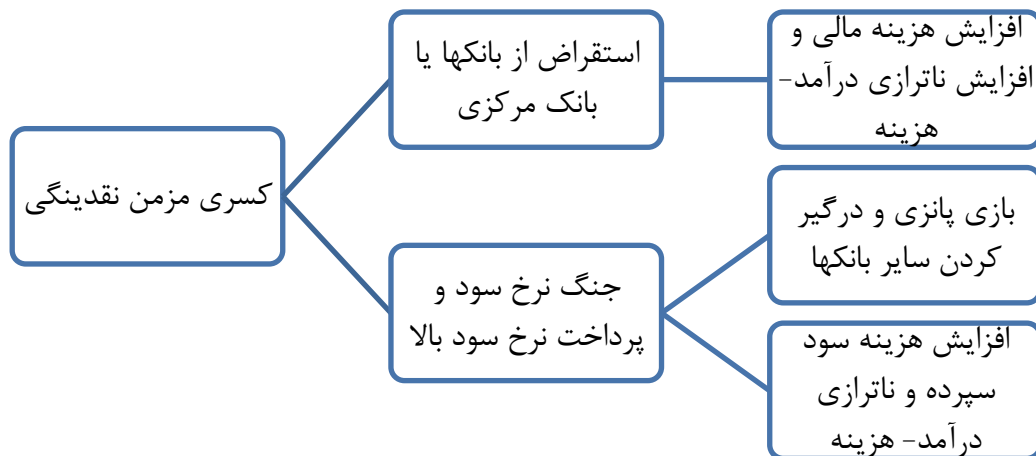
۲- سرایت ناترازی جریان وجوه نقد به ناترازی درآمد - هزینه

اگر بانک با شکاف جریان وجوه نقد مواجه شود و همواره برای تامین سپرده قانونی یا تسویه سپرده‌ها مجبور به استقراض از بازار بین‌بانکی یا بانک مرکزی گردد، این روبه خود به افزایش هزینه مالی و کاهش سودآوری بانک منجر خواهد گردید. البته راهکار دیگری که پیش روی بانک قرار دارد ورود به بازی خطرناک جنگ نرخ سود و رباییدن سپرده‌ی سایر بانک‌ها با پیشنهاد نرخ سود بالاتر است که این راهبرد نیز با افزایش هزینه سود سپرده‌ها و کاهش سودآوری بانک را به ورطه ناترازی سودآوری خواهد کشانید.^{۱۰} این راهبرد اخیر همان بازی پانزی^{۱۱} است که بانک با ایجاد بدهی سعی می‌کند سایر بدهی‌های خود را پردازد و علاوه بر نابودی این بانک سایر بانک‌ها را نیز درگیر بازی معمای زندانی می‌کند و تعادل بد در اقتصاد غالب شده و این ناترازی به سایر بانک‌ها نیز سرایت می‌نماید.

^{۱۰} مهدی رزم آهنگ، حسن سبحانی، (۱۳۹۷) تبعات ریسک پذیری و رقابت بانک‌ها در جذب سپرده در شرایط عدم تقارن اطلاعات؛ مطالعه موردی نظام بانکی ایران، فصلنامه راهبرد اقتصاد، ۷(۲۶)، ۱۶۹-۱۹۷، magiran.com/p2080745.

^{۱۱} Ponzi Game

شکل ۱- چگونگی سرایت ناترازی در شبکه بانکی



۳- سرایت ناترازی دارایی- بدهی به ناترازی جریان وجوه نقد و درآمد-هزینه

ارزش‌مندی دارایی‌های بانک و به طور خاص تسهیلات پرداختی آن، به بازپرداخت منظم مشتری وابسته است. به عبارت دیگر اعتبار مشتری بانک و ایفاء تعهدات وی مهمترین عامل در ارزش مالی تسهیلات بانک است. اگر این پرداخت منظم از سوی مشتری بانک اتفاق نیفتد دو مساله برای بانک ایجاد می‌شود:

- ۱- با تغییر سرفصل تسهیلات به طبقه غیر جاری، نه تنها بانک در شناسایی درآمد از محل این تسهیلات با ممنوعیت مواجه است بلکه باید برای این تسهیلات ذخیره‌گیری هم نماید که هر دو عامل موجب کاهش سودآوری یا افزایش ناترازی درآمد- هزینه بانک خواهد شد.
- ۲- با توقف بازپرداخت تسهیلات یکی از مهمترین کانال‌های ورود جریان نقد به بانک مسدود می‌شود و در صورتیکه سهم تسهیلات غیر جاری بالا باشد می‌تواند بانک را با ناترازی جریان وجوه نقد مواجه کند. به عبارت روشن‌تر نکول تسهیلات توسط مشتریان (کاهش ارزش دارایی‌ها) موجب کاهش ورود جریان نقد به بانک می‌شود.

با توضیحاتی که در سه بخش اخیر آمد تقریباً می‌توان سایر کانال‌های سرایت ناترازی را نیز پیش‌بینی کرد و برای جلوگیری از اطاله کلام از توضیح بیشتر خودداری می‌شود.

۴- بحران بانکی سیستمیک

بانک جهانی، بحران بانکی سیستمیک را شرایطی می‌داند که در آن تعداد زیادی از بانک‌های یک کشور به‌طور همزمان دچار اعسار جریان نقدی یا اعسار ترازنامه‌ای باشند. به‌طور مشخص بحران بانکی سیستمیک شرایطی است که نکول در بخش‌های مالی و شرکتی به میزان زیادی [تأکید از نویسنده است] باشد و نهادهای مالی و شرکت‌ها در پرداخت قراردادها با مشکل مواجه شوند. در نتیجه وام‌های غیرجاری (NPL) به یکباره افزایش یافته و تمام یا بخش اعظم سرمایه کل سیستم بانکی از میان خواهد رفت. این شرایط ممکن است با کاهش قیمت دارایی‌ها، افزایش شدید نرخ بهره و کاهش و یا معکوس شدن روند جریان سرمایه^{۱۲} همراه باشد.

در گزارشی که توسط شعبه کلیولند فدرال رزرو نوشته شده، آمده است: «در یک بحران بانکی چندین بانک به‌طور همزمان دچار شکست^{۱۳} می‌شوند و این شکست جمعی موجب می‌شود سرمایه سیستم بانکی به میزانی آسیب ببیند که اثرات قابل توجه اقتصادی محتمل شود و مداخله دولت ضرورت یابد. اما این میزان چقدر است؟ هیچ جواب دقیقی برای این سؤال وجود ندارد. محققان برای طبقه‌بندی یک مشکل بانکی به‌عنوان یک بحران سیستمیک به بیانیه‌ها و فعالیت‌های بانک‌های مرکزی رجوع می‌کنند. به بیان دیگر مشکل زمانی سیستمیک تلقی

^{۱۲} <https://www.worldbank.org/en/publication/gfdr/background/banking-crisis>

^{۱۳} Fail

می شود که بانکداران مرکزی فکر کنند یک شوک خاص که به بخش مالی وارد شده می تواند منجر به یک مشکل سیستمیک شود. برای مقاصد عملیاتی، چنانچه بخش اعظم سرمایه نظام بانکی و یا همه آن به واسطه نکول وامها از بین رود، بحران به طور قطع سیستمیک خواهد بود.^{۱۴} (ارگونگور و تامسون (۲۰۰۵)) به عبارت بهتر، تعریف دقیقی از بحران بانکی سیستمیک وجود ندارد.

در چارچوب قواعد نظام بانکی امروز - که «قدرت خلق پول بانک» در آن محوریت دارد - خطر اعسار بانکها در صورت رفتار کنترل نشده و ریسکی آنها، بسیار محتمل است. بانکها مؤسساتی ویژه هستند که به سبب داشتن قدرت خلق پول (ناشی از تبدیل بدهی آنها - سپرده ها - به پول رایج) نسبت اهرمی^{۱۴} بالایی می یابند، به معنای اینکه کسب و کار سودآور خود را متکی به نسبت بسیار بالای بدهی به سرمایه پیش می برند. همین نسبت بالای بدهی است که منشأ جدی بودن خطر اعسار در هر دو معنای فوق الذکر بوده و بانکداری متعارف را رویه ای پرخطر و پرریسک می سازد. تجربه بحرانهای بانکی در کشورهای پیشرفته و ترقی دایمی معیارهای نظارتی و کنترلی در نظام بانکی این کشورها نشان می دهد سیستم بانکی متعارف حتی در بهترین رژیم های رگولاتوری نیز به سختی قابل نظارت و کنترل است.

پیوند ترازنامه بانک با نظام پرداخت که نتیجه تبدیل بدهی بانک به پول رایج است، بانکها را در موقعیت ویژه ای قرار می دهد که تحریک کننده رفتار ریسکی و کژمنشی^{۱۵} بانکهاست. تجربه نشان داده اعمال قواعد نظارتی اکید تنها قادر به تخفیف مسائل برآمده از موقعیت بانکها (و نه حل آنها) است، به گونه ای که بحرانهای مالی و

^{۱۴}. leverage ratio

^{۱۵}. Moral Hazard

اقتصادی در کشورهای مختلف به جزئی لاینفک از روند حرکت اقتصادی جوامع تبدیل شده است؛ بحران‌هایی که نوعاً ریشه در ترکیدن حبابی دارد که از منشأ خلق پول بانکی بوجود آمده یا خلق پول بانکی راه را برای آن هموار ساخته است. در این چارچوب، واضح است که در شرایط فقدان یا ضعف قوه اعمال حکمرانی پولی و نظارت برای کنترل رفتار سیستم بانکی، افسارگسیختگی قدرت خلق پول بانک‌ها نتایج بسیار وخیمی به بار خواهد آورد.

منابع

گزارش شماره ۱۵۲۳۸ مرکز پژوهش‌های مجلس.

<https://www.worldbank.org/en/publication/gfdr-۲۰۱۶/background/banking-crisis>



مدیریت ریسک و مطالعات اقتصادی

تهران، خیابان ولیعصر، خیابان امین گاج آبادی، شماره ۷۵
تلفن: ۰۲۱-۲۶۳۱۵۰۰۰-۵ نمایر: ۰۲۱-۲۶۳۱۴۹۹۹

ER@karafarinbank.ir www.karafarinbank.ir